



دو شاهکار خوشنویسی از شاه محمود نشابوری

محمدعلی کریم زاده تبریزی*

(لندن)

شاه محمود نشابوری خواهرزاده و شاگرد عبدی نشابوری خطاط شاهی است که فنون ماهرانه شگردهای فنی را از او فرا گرفت و با تمرینات روزمره و مداوم در حیطة نستعلیق نویسان سرآمد گردید و در رده مستعدان بی قرینه زمان خویش شد.

شاه محمود در دوران سلطنت شاه طهماسب مقام و منزلتی والا داشت و بعضی اوقات در اردوی همایونی یا کارگاه سلطنتی با کاتبان و نقاشان و سایر هنرمندان همدم و همکار بود و به خلق آثار بی همتا همت می گماشت. او به کثرت آثار معروف و موصوف بود و انواع کتب و دواوین و ادعیه و مرقعات و قطعات و جزوات جهت دربار سلطنتی و وزرا و رجال مملکتی کتابت می کرده و هدیه می نمود و جزو خطاطان پرشهرتی است که بیشترین آثارش در موزه‌ها و کتابخانه‌های معروف جهان جلب نظر می نماید.

از آثار امضادار و تاریخ دار وی که مقام و مکانت او را در شهرهای مختلف مشخص می سازد، ۱۴ نمونه در دارالسلطنه تبریز در سال‌های ۹۳۲ تا ۹۵۳ق، و یک اثر در بلده باخرز به سال ۹۳۶ق و یک اثر در دارالسلطنه اردبیل به تاریخ ۹۵۶ق، و ۱۷ اثر در مشهد منوره رضویه در سال‌های ۹۵۸ تا ۹۶۶ق کتابت شده است.

از شاه محمود نشابوری، غیر از آثار با تاریخ و رقم دار و با ذکر نام شهر محل کتابت، یادگارهای ممتاز دیگری با ذکر نام، ولی بی تاریخ در موزه‌ها و کتابخانه‌ها وجود دارد که معرف پرکاری و عشق و علاقه ذاتی وی به حرفه خطاطی است. این استاد، در آثار به یادگار مانده اش نام خود را «شاه محمود»، «محمود نشابوری»، «شاه محمود نشابوری»، «شاه محمود الکاتب»، «شاه محمود الشاهی» و «شاه

چکیده: شاه محمود نشابوری از جمله نستعلیق نویسان ممتاز دوره صفویه است و بسیاری از آثار او در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان وجود دارد. در این مقاله دو نمونه از برجسته‌ترین آثار وی معرفی می شود. یکی جزوه سوره فتح و مزمل، مضبوط در مجموعه نگارنده است که در تبریز برای شاه اسماعیل صفوی کتابت شده و برخلاف باور خوشنویسان آن زمان که نوشتن آیات قرآنی را به خط نستعلیق بدین می دانستند، به خط نستعلیق عالی نوشته شده است و تاریخ کتابت ندارد. دیگری قرآنی به خط نستعلیق است که به دستور شاه طهماسب اول در ۹۴۵ق کتابت شده و به دست حسن بغدادی مذهب گردیده و به پادشاه عثمانی تقدیم شده است و اکنون در موزه توپقاپوسرای استانبول نگهداری می شود.

کلیدواژه: شاه محمود نشابوری؛ نستعلیق نویسان؛ جزوه سوره فتح و مزمل؛ مجموعه کریم زاده تبریزی؛ تبریز؛ شاه اسماعیل صفوی؛ خوشنویسان؛ نستعلیق؛ عقاید خوشنویسان؛ کتابت قرآن؛ قرآن؛ شاه طهماسب صفوی؛ حسن بغدادی؛ موزه توپقاپوسرای.

* نویسنده و پژوهشگر مستقل اسناد و نسخه‌های خطی.

محمود النشابوری زرین قلم» می‌نوشت، که لقب اخیر را به علت مهارت و استادی والایی که در خط نستعلیق پیدا کرد از شاه طهماسب صفوی (حک: ۹۳۰-۹۸۴ق) دریافت کرد و زیب آثار خود نمود. متأسفانه ذیل آثار بی‌شمارش که در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان قرار دارد و جمله آنها رقم «شاه محمود نشابوری» تسجیل شده، در هیچ یک از منابع داخلی و خارجی و کتاب‌هایی که آثار این خطاط را معرفی نموده‌اند رقم ثبت شده‌ او را به‌طور صحیح درج نکرده‌اند و در تمامی آنها به اشتباه «نیشابوری» نوشته و از این نکته استنادی در گذشته‌اند.

میرزا احمد منشی قمی سال وفات شاه محمود را ۹۷۲ق ذکر کرده و او را در این تاریخ هشتاد ساله معرفی نموده است، که با عنایت به آثار باقیمانده از او هشت سال بعد از این تاریخ نیز زنده بوده است و با محاسبه این سنوات می‌توان گفت که شاه محمود به سال ۸۸۴ق تولد یافته و در هشتاد و هشت سالگی فوت کرده است.

در این مقاله دو نمونه از برجسته‌ترین آثار شاه محمود نشابوری معرفی می‌شود. اولی در دوران شاه اسماعیل و دیگری در زمان شاه طهماسب کتابت شده است.

نمونه اول: جزوه کتابتی او از دو سوره فتح و مزمل (مضبوط در مجموعه نگارنده) که در هشت صفحه ده سطری و با اندازه ۱۶/۵×۱۰سم به خط نستعلیق نیم دو دانگ عالی و در دو سوره به قلم ثلث عالی نوشته شده است و آیتی از نغایس هنری محسوب می‌گردد و شاید بتوان آن را مهم‌ترین اثر این استاد دانست. شاه محمود این اثر والا را در تبریز کتابت کرده و رقم آن چنین است: «کتابه العبد المذنب شاه محمود النشابوری غفر ذنوبه و ستر عیوبه بدارالسلطنه تبریز».*

شاه محمود با کتابت این جزوه باور برخی از خطاطان را مبنی بر این‌که نوشتن آیات قرآنی به خط نستعلیق کراهت داشته و هر که این کار را می‌کرده تیمناً بر او خوب نمی‌آمده شکسته و آن دو سوره انتخابی را به خط نستعلیق ممتاز نوشته و تقدیم شاه اسماعیل نموده است.

نمونه دوم: قرآنی به خط نستعلیق که شاه محمود آن را در زمان شاه طهماسب و به دستور وی کتابت کرده و به پادشاه عثمانی، سلطان محمد بن بهادر خان تقدیم نموده است. در گذشته، کتابت قرآن به خط نستعلیق آرزوی همه خطاطان بود و همه سعی می‌کردند چنین قرآنی بنویسند. یکی از معروفترین خطاطان درباری مالک دیلمی بود که بنا

به نوشته صاحب گلستان هنر «مولانا مصحفی به خط نستعلیق بنیاد کرده بود و می‌نوشت، توفیق اتمام نیافت. ظاهراً هر که این کار کرد تیمناً برو خوب نیامد». همو در جایی دیگر از کتاب به اختصار اشاره می‌کند: «مولانا دوست محمد مصحفی به خط نستعلیق تمام کرده بود.» او دیگر درباره بود و نبود و سبب کتابت قرآن و محل ضبط و نگهداری آن اطلاعی به دست نمی‌دهد.

ظاهراً همت و اراده و اعتقاد شاه محمود بیش از آن بوده که نوشتن قرآن به خط نستعلیق را تیمناً به فال بد بگیرد. کما اینکه بنا به نوشته خود او، در رویایی صادقانه اجازت کتابت قرآن را دریافت کرده است. او اظهار می‌دارد: «حضرت امام معصوم و شهید مظلوم از کمال مرحمت و شفقت تمام جواب سلام این بی‌سرانجام دادند و دست مبارک برداشته جهت این فقیر فاتحه خواندند و امر فرمودند که به کتابت کلام الله اشتغال نمایم».

درباره این قرآن، متأسفانه تاکنون - تا جایی که من اطلاع دارم - مطلبی در کتاب‌ها و نشریات ایرانی به چاپ نرسیده است. نویسنده این سطور افتخار و سعادت این را داشته تا این اثر کم مانند را به سال ۱۳۶۱ از نزدیک ببیند و بررسی کند و برای نخستین بار عکسی از آن فراهم نماید. جریان دیدار من از این قرآن بدین ترتیب بود که از مدت‌ها قبل به وجود قرآنی به خط نستعلیق در موزه توپقاپوسرای آگاه گشته بودم و همیشه آرزو داشتم تا این اثر ارزنده را از نزدیک زیارت کرده و به آن بوسه برزنم. خوشبختانه بخت با من یار شد و در سفر کوتاهی که به استانبول برایم میسر شد، در حین دیدار از موزه، مدیر موزه به واسطه سابقه دوستی و آشنایی، از نگارنده جهت خواندن ارقام بعضی از آثار متفرقه عثمانی، که رقم ترکی داشته و تا آن موقع ناخوانا مانده بود، دعوت به عمل آورد. من نیز پس از قرائت آنها اظهار علاقه کردم تا قرآن شاه محمود نشابوری را از نزدیک ببینم و آنان نیز آن نسخه نفیس را به من نشان دادند.

در فرصت کوتاهی که داشتم یادداشت مختصری از آن نسخه نفیس فراهم کردم که در اینجا تقدیم خوانندگان گرامی می‌شود:

شماره ثبت: Hs. 25 FFIV2F؛ اندازه صفحات: ۲۶/۷×۳۷/۵سم؛ نوع جلد: سوخت؛ صفحات اول و دوم، و نیز سرسوره‌ها و علائم جزوات مذهب و مرصع؛ و در آخر قرآن به خط بسیار زیبا نوشته شده است: «تمت کلمت ربک صدقاً و عدلاً لا مبدل لکلماته وهو السميع العليم».*



فكيف يتقون ان كفتم يوم يجعل الولدان شيبا السماء منفطر به كان
 وعده مفوعولا ان تذكره فمن شا اتخد الى ربهم يبدا
 ان بك يعلم انك تقوم اذ من ثلثي الليل ونصفه وثلث
 وطائفة من الذين معك والله يقدر الليل والنهار علم ان
 لن تحصوه فتاب عليكم فاقرؤا ما يسهل من القرآن علم ان
 سيكون منكم مرضى وآخرون يضربون في الارض يفتنون
 من فضل الله وآخرون يعذبون في سبيل الله فاقروا ما يسر
 واتيموا الصلوة واتوا الزكوة واتروا الله ورسوله حسبا وما تفت
 لانفسكم من خير تجدوه عند الله خير اوعظ احوالنا استغفروا الله

استغفروا الله
 استغفروا الله
 استغفروا الله

در داخل شمسه‌ای به خط تحریری عالی و تذهیبی بی نظیر نوشته شده است:

برسم کتابخانه حضرت پادشاه دین‌پناه مظهر اسرار السلطان ظل‌اله سلطان البرین والبحرین خادم الحرمین الشریفین ابوالغازی سلطان محمد بهادرخان خلدالله ملكه و سلطانه و افاض علی العالمین یرّه و احسانه.

در آخر نسخه، شاه محمود علت تحریر و کتابت قرآن را نوشته که در تصویر ملاحظه می‌فرمایید.

همچنین رقم مذهب نامی و استاد نادره کار در پایین قرآن چنین است: ذهبها فقیر المذنب حسن البغدادی المذهب غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه فی شهر سنة سبعین [و] تسعمائة من الهجرة.



ت ۳: اوراق پایانی قرآن، خط شاه محمود نشابوری، ۹۴۵ ق (موزه تویقاپوسرای استانبول، Hs. 25 FF IV2F).



ت ۲: اوراق پایانی قرآن، خط شاه محمود نشابوری، ۹۴۵ ق (موزه تویقاپوسرای استانبول، Hs. 25 FF IV2F).

Nameh-ye Baharestan: vols. 8-9, 2007-2008, ser. nos. 13-14

Two Masterpieces of Calligraphy by Shāh Maḥmūd-e Neshābūrī

Mohammad Ali KARIMZADEH TABRIZI

(London)

Shāh Maḥmūd-e Neshābūrī, is one of the best calligraphers of the Safavid period and many of his works are preserved in museums and libraries. This paper presents a study of two of his finest works. The first of these is a transcription of two chapters of the Quran that belongs to the author's private collection. Shāh Maḥmūd transcribed this piece for the Safavid king, Ismail in the city of Tabriz. This piece, which is not dated, is written in nasta'liq script in spite of the fact that many calligraphers of that time considered transcribing Quran in nasta'liq script to be inauspicious. The second piece is a Quran in nasta'liq script that was copied by the order of King Ṭahmāsb I in 945/1538, and was offered to the library of the Ottoman ruler Sulṭān Moḥammad Bahādor Khān. This manuscript was later decorated by Ḥasan Baghdādī, and is now kept at the Topkapı Sarayı Museum in Istanbul.